سیاست خارجی و مواد دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه

دکتر عباس کشاورز شکری
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید (نویسنده مستند)

ماجع صادقیان
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

در گویی‌های سیاسی و وقایع اقلیمی که در برخی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد، به سوریه نیز سریاً تک برد. این تغییرات شگرف سیاسی، تحلیلگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را بر آن داشته‌تا زمینه‌ها و ابعاد و عوامل گوناگونی این دگرگونی‌ها را بررسی کنند. در میان این تازگام‌ها، بحران سوریه‌طوری بوده و به جنگ داخلی منجر شده است. از همان‌اغاز اعتراضات در این کشور، ریا عامل‌کردن دولت‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با اهداف و انگیزه‌های گوناگون دیده می‌شود. سؤال اصلی این مقاله درباره سیاست خارجی و مواد دولت‌های ایران و ترکیه درباره بحران سوریه است. در این راستا، نتایج شده است جنبه‌های مختلف این مواد، برای روش تحلیل استادی و در چارچوب نظریه سیاست‌ها بررسی گردیده و سیاست‌گذاری بین‌المللی روزی‌تری شود. یافته‌های مقاله بیانگر این است که دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را بانویجه جهت گیری ایدئولوژیکی خاص خود و نیاز موقت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به حمایت از استعمار و پایداری دولت اسد، و مخالفت با معارضان سوری ممکن کرده است و در مقابل دولت ترکیه روابط پس‌نبردی خود را در قبال تحولات سوریه، همسر با آمریکا و مجموعه غرب تظیم کرده است، و از خواست‌های متعارض حمایت کرده و خواست‌های ایران به شاهد است.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، سیاست خارجی، ایران، ترکیه، خاورمیانه.

1. Abbaskeshavarz1@yahoo.com
2. h_sadeghiyan2010@yahoo.com
مقدمه

سوريه در نظرخواهی واقع شده است. با توجه به سیاست‌های سطحی که در سمت ناسیونالیتی و اضطرابی، در منطقه جاگیج به سیاست ممکنی دارد، اهمیت سوريه برای قدرت های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱. مزدیس سوريه به حضور راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پودن سوريه با درگیری های عرب و اسرائیل؛ ۳. احساس خطر از وجود حکومت علیوی در منطقه که مخالف کمپ غرب است (آرژن، ۱۳۹۰:۶۷). ۴. سوريه عضو از ارث همیت راهبردی عمومی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد برجوری اسلامی، در محاسبات منطقه‌ای و جهانی اهمیت مضافع دارد (فرزندی، ۱۳۹۱:۱۲).

در همین راستا و به موازات شروع و گسترش بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، کشورهای مؤثر در منطقه مداخله در اوضاع نابسامان این کشور را شروع کردند. عربستان سعودی و اردن که به مطرح کردن قضیه هلال شیعی در منطقه، تلاش می‌کنند از نفوذ ایران در منطقه کنکان به فرصت را جنایت شمرده و به یاری نیروهای مخالف بشار اسد پرداختند. این کمکها از ارکار نظامی، سیاسی، تبلیغاتی و مالی جنبهای مختلف و پیچیده داشته است. هدف آنان نیز ساقط کردن حکومت علیوی سوریه و قطع کردن ارتباط ایران با سوریه و لبنان است. این وضع ممکن است توازن قوا را در منطقه شامات بی‌نفع این کشورها و بعضاً ایران بر هم زند. ایالات متحده و اروپای غربی نیز در راستای همیت سیاست به دفاع همه‌جانه از نیروهای مخالف بشار اسد پرداخته و تلاش می‌کنند حکومت وی را ساقط کنند.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران که عمق استراتژیک خود را نا لبان و مرزهای رژیم صهیونیستی امداد داده است، در تلاش است تا جلو این موضوع را گیرد و موازنة قدرت منطقه‌ای را بهبود حفظ کند. جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ تحمیلی و حصول اطمینان از اینکه قربانی‌ها درصد ساقط کردن نظام نوابی انقلابی در ایران هستند، تلاش کرد جبهه جنگ را از مرزهای ایران و عراق به مرزهای رژیم صهیونیستی منتقل کند. لذا با پایان این جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی با افزایش حمایت های هم‌جهانیه خود از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، در تقویت و گسترش حزب الله در جنوب لبنان و
حماس در خاک فلسطین نقش مهمی ایفا کرد. متعاقب این تلاش‌ها این دو نیرو (حماس و حماس) به دو نیروی مؤثر و شکست‌ناپذیر مقاومت اسلامی در منطقه تبدیل شدند.

این موضوع رژیم صهیونیستی و ایالات متحده را دچار وحشت ساخت و آنان تلاش کردند با شکست‌دادن جنگ حرب الله، عمل استراتژیک ایران را از بین بردند و نفوذ ایران به منطقه خلیج فارس محدود کندند. به همین مناسبت، جنگ ۲۳ آوروزه لبنان با هدف از بین بردن حرب الله با آمید ایالات متحده و توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد؛ اما پس از روز جنگ، رژیم صهیونیستی به جنگ خاتمه داد؛ چراکه نویپریدن حرب الله نداشت و با این ترتیب، استدلال شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی از بین رفت. پس از آن، رژیم صهیونیستی تصمیم به حمله به حماس را گرفت که آن روز پس از ۲۶ روز جنگ به‌جا ماند.

جنگ اخیر رژیم صهیونیستی در غزه نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

با آغاز بحران در سوریه، ایالات متحده و هم‌همانش تصمیم گرفتند با حمایت از مخالفان بشار اسد، ساقط‌شدن رژیم سیاسی سوریه را تسهیل کنند و با این ترتیب، با ازبین رفتن حکومت علیه نتیجگی به ایران و روی کارآمد حکومت‌های ایرانی نزدیک به عربستان و ایران و مصر و قطر، قطع‌های ارتباطی میان ایران و حرب الله قطع شدند، به‌همین مناسبت، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به همراه عربستان، اردن، قطر و مصر کم‌کم‌کامهای همه‌جانبه خود را به مخالفان استاد آغاز کردند و گسترش دادند.

چین و روسیه نیز به عنوان در قدرت مهم در منطقه مشغول ایفا نقش هستند. در تکمیل‌بخش‌های جهانی، در نظام دوطرفی سابق میان ابرقدرت‌ها، سوریه هم‌واره در اردوگاه چپ و اتحاد شوروی بوده است؛ اما پس از ازبین رفتن نظام دوطرفی، روسیه همچنان سوریه را در حوزه نفوذ خود دانسته و لذا شدیداً از این کشور حمایت کرده‌اند از سقوط حکومت بشار اسد و غلیب‌شنوند سوریه به دامان غرب جولوگیری کنن. بحران اواکراین به اختلافات بین روسیه و غرب دامن زده و احتمال اخلاف و افتراق بین ۵۱ را افزایش داده است. چین نیز همراه روسیه است؛ چراکه ساقط‌شدن حکومت سوریه و غلیب‌شنوند این کشور به اردوگاه غرب با منافع این کشور قدرت‌مند ناسازگار است. با فروپاشند سوریه در دامان غرب، منطقه شام کلاً به‌دست اردوگاه کشورهای غربی و مخالف با کمونیسم می‌افتد و باتوجه به اهمیت استراتژیک این منطقه، چنین موضوعی با منافع ملی چین نیز
مخالف خواهد بود.

در این میان، مواضع ترکیه نیز دارای جایگاه قدرتمندی منطقه‌ای و همسایه و رقیب ایران نیز بسیار مهم است. از این رو، این مقاله، بیان می‌کند که سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه، هم از بکل سیاسی و دیپلماتیک و هم از بعد تبییغاتی و مالی بررسی خواهد شد. هدف از این مقاله بررسی سیاست خارجی دو دولت ایران و ترکیه و مولفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار بر آن است تا در صورت تشريح سیاست خارجی دولت‌ها، مواضع و دیدگاه‌های آنها تشريح و تفسیر شود. بنابراین، قضیه ویژه و نظری تحقيقی، این هدف در دو گفتار کلی دنبال می‌شود: در گفتار نخست، سیاست خارجی و مواضع دولت ایران بررسی می‌شود و در گفتار دوم، سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه در رابطه بحران سوریه. سیاست خارجی هرکدام از دولت‌ها روش‌نگار مواضع و عملکرد رفتاری آنها خواهد بود. بدین ترتیب به عنوان شناخت پیشینه و کلیت از روابط این دولت‌ها با کشور سوریه می‌رسد. زیرا سرچشمه سیاست خارجی ترکیه و ایران مفیدی بر پایان مواضع، به کلیت روابط این دولت‌ها با سوریه اشاره خواهد شد و سپس مواضع آنها و مصادیقی از الگوهای رفتاری آنها آورده می‌شود.

الف. چارچوب نظری

پیش از پرداختن به بحث نظری درباره سیاست خارجی، لازم است با مفهوم سیاست خارجی آشنا شویم. سیاست خارجی در تعیین عبارت است از اقدام‌هایی که برای نجات منطقه به طور مستقیم یا آزادی ملی کشور به منظور دستیابی به هدف‌های بلندمدت و کوتاهمدت (رنولدز، ۱۳۸۰: ۳۳). در تعیین دیگر، سیاست خارجی استراتژی یا روش‌نگار از آن باید به عنوان توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی است که مقصود آن دستیابی به اهداف معیّن در چارچوب منافع ملی و مپروت بین المللی است (علی‌بابایی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). هالستن در تعریف سیاست خارجی به اقدامات دولت در قبال مپروت خارجی و اوضاع داخلی مؤثر بر اقدامات مزبور اشاره می‌کند و سیاست خارجی را در گریدربانده مقصد و ارزش‌ها می‌داند (هالستن، ۱۳۷۳: ۳۲)
روزن‌ها با عنايت به پیوند بین محيط داخل و خارج، به انواع متغیرهای مؤثر در شکل گیری سیاست خارجی توجه کرده است و پنج دسته از متغیرها را نام می‌برد که عوامل شکل دهنده رفتارها در سیاست خارجی است: متغیر ویژگی‌های فردی رهبران، متغیر نقش، متغیر حكومتی، متغیر اجتماعی و متغیر سیستمی (قاسمی رضوی، 1386: 445). در عوام، جیمز روژن در تحلیل سیاست خارجی کشورها تلفیقی از رهابات خرد و کلان را در نظر دارد: با داشتن علاوه بر توجه به ویژگی‌های محيط داخلی دولت‌ها، بررسی محيط بین الملل را نیز مدتی داشته است.

سیاست خارجی است. بهترین ابزار، مفهوم تغییر است. تغییر نباید تغییرات ایجادشده در مقامات و مستندان، رهبران حكومتی، نقشها و نیز محيط انداده گیرد. حال تغییر در جامعه و محيط آن ممکن است بسیار یا کم باشد و بدين ترتیب، وی تغییرات را به رحس میزان آنها به صورت زیاد یا کم دسته‌بندی می‌کند. حال، هر دو نوع تغییر ممکن است در داخل یا خارج اتفاق افتاد و به این ترتیب، چهار نوع اساسی از چارچوب محيطی بوجود می‌آید که هرکدام به سیاست خارجی متمازی شکل می‌دهد.

1. الگوهای رفتار سیاست خارجی

باتوجه به چهار نوع چارچوب محيطی، چهار الگوی متفاوت از رفتار سیاست خارجی تشخیص داده می‌شود که به‌ترتیب، عادی، سرزنش، باتبیان و متشنج نامیده می‌شود:

1-1. الگوی عادی: هر دو صحنه داخلی و خارجی آرام است و کمترین حد پیوند را باهم دارند.

2-1. الگوی باتبیان: بسیار نشان می‌دهد تغییرات داخلی حكم، مقام‌های مربوط به‌طور عادی و تأخیر گزینه کنش در اثر تغییرات خارجی را بررسی کنند.

3-1. الگوی سرزنش: در این نوع توصیف رفتار سیاست خارجی در موقعیت می‌رود که تغییرات داخلی بزرگ و تغییرات و تحولات خارجی کم است و بدين سبب درجه بالای تغییر در داخل به تاعظیم منجر می‌شود بنابراین، مقام‌های مربوط با پایستی
سریع‌ا و با توان کافی برای تغییر محیط و سازگاری گردان آن با ساختارهای اساسی جامعه عمل کنند.

1-4. الگوی مشترک: وضعی است که در آن، تغییرات داخلی و خارجی در سطح بالایی قرار دارند و رهبران حکومتی با استیسی سریع‌ا به تفاوت‌های داخلی و فشارهای خارجی پاسخ مناسب دهد. این الگو، خود، سرچشمه اولیه تنش در سیستم بین‌المللی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۴).

بر این اساس، درصورتی برقراری ارتباط بین دو محیط داخلی و خارجی، این چهار نوع رفتار شکل می‌گیرد که با عنایت به عنصر شدت تغییر در هر دو سطح داخلی و خارجی:

<table>
<thead>
<tr>
<th>تغییرات خارجی</th>
<th>زیاد</th>
<th>کم</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>سرزنده</td>
<td>مشترک</td>
<td>عادی</td>
</tr>
<tr>
<td>باندیر</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

جدول ۱-چهارچوب می‌توانان سیاست خارجی

منح: (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۳)

به طور کلی، سمت گیری کشورها در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی محصول محیطی راهبردی است که در دوون آن اقدام به کنش‌راهنمایی می‌کند. محیطی مذکور با ویژگی‌های خاص خود، نوع الگوی رفتاری کشورها را مشخص می‌کند. از ویژگی‌های کلی چنین محیطی ثبات‌راهنمایی در دوون آن است. مدل سیاست خارجی براساس این فرض شکل می‌گیرد که سمت گیری سیاست خارجی کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، محصول تعامل دو محیط داخلی و خارجی است.

درواقع الگوهای رفتاری از متغیرهای مهم در سیاست روابط بین‌الملل محصول می‌شوند؛ بنابراین، این سوال مهم محصول می‌شود که علل شکل گیری الگوهای رفتاری کداماند؟ در سیر شکل گیری الگوهای رفتاری، بیانگر بین سطوح خرد و کلان از متغیرهای
مهم و محل توجه است که نحوه تصمیم‌سازی دولت‌ها را تشريح می‌کنند.

از پیوند و کنش متغیران بین محیط داخلی و خارجی، نوعی تاثیر با بیانی استراتژیک حاصل خواهد شد که در شکل ۱ نشان داده شده است. در این شکل، به‌خوبی نشان داده شده است که وقتی رفتار استراتژیکی ناپیوست محیط داخلی و خارجی کشورها به تأسیس یا نه‌بودن میزان ناپایداری و آشوب وجود داشته باشد یا حتی حالت بی‌ثباتی و ناپایداری فقط در محیط داخل و خارج داخل و خارج پیوسته می‌باشد، این الگوی رفتاری قبلاً مبتنی از زمانی که آرامش نسبی در داخل و خارج بطور همزمان با بیانی حداقل در محیط داخلی وجود داشته باشد و میزان تغییرات و فشارهای واردشده اندک باشد، تاثیر استراتژیک حاصل خواهد شد که نتیجه این استراتژی، سیاست گذاری بیانی خواهد بود.

شکل ۱- محیط استراتژیک سیاست خارجی

- محیط داخلی
  - بیانی
  - محیط بیانی (مشترک)
- محیط خارجی
  - بیانی
  - محیط بیانی (سرزندگی)
  - بیانی
  - محیط بیانی (عائی)
  - بیانی
  - محیط بیانی (پاندازه)

منبع: تگاند

- رفتارهای سیاست خارجی

یکی دیگر از مباحثی که جیمز روزن در تحلیل سیاست خارجی دوبلسیا بدان توجه می‌کند، حذف چگونگی انطباق هر کنشگر دولتی در مواجهه با محیط برونی و تقاضاهای ناشی از آن است. از دیدگاه روزن، سیاست خارجی فرانسه است که از دو بخش ترکیبی می‌شود: یکی ورودی‌هایی است که عمدتاً یا غیراعدامانه و به‌شکل تبدیلی به مداخله یا حمایت محیط برونی وارد شده‌اند و دستگاه تصمیم‌گیری محدودی که شود. این محیط برونی ممکن است جامعه بین‌الملل و نهادهای آن با جامعه سیاسی خاصی باشد؛ دیگری نیز برونداده با همان تصمیمات و راه‌هایی است که دولت در قبال آن درون‌داده‌ی آن خود بروز می‌دهد (Rosenau, 1971: 121-122).
روزنا معتقد است با ورود این دورنمایی، سیاست خارجی دولت جنبه واکنشی به خود می‌گیرد که حاکی از رفتار خارجی آن در پاسخ به تفاکس‌های محیطی است. این رفتار واکنشی ممکن است سازگار با ناسازگار باشد. از نظر روزنا، دولت‌ها به‌منظور حفظ و صیانت خود در مقابل با محیط، به اقادات گوناگون اقدامات انتقال در راه‌اندازی اقادات انتقال طاقب‌های ارائه‌دهنده دولت‌ها در مواجته به محیط بین‌المللی در انتقال رضا‌یافتن آنها، اقدامات محیطی و دیگر اقدامات انتقال طاقب‌های ارائه‌دهنده را مصرف حفظ ساختارهای ضروری نظام می‌کند و چنین نمی‌تواند به انتقال با محیط خود بپردازد (رسولی زاد، 1391: 101-102).

ب. سیاست خارجی و موضوع جمهوری اسلامی ایران درباره بحران سوریه

١- عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

١-١. عوامل داخلی و عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

یکی از منابع تعیین کننده سیاست خارجی دولت ایران، وبگاه‌ها و خصوصیات جامعه و کشور ایران است. به‌گونه‌ای که درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی ایران، مسئولیت شناخت خصوصیات ملی جامعه ایران است. مبتنی ملی سیاست خارجی دولت ایران شامل متغیرهای جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود (دهقانی، ۲۰۱۲: ۲۲۱). طرح عوامل و متغیرهای داخلی تعیین کننده در سیاست خارجی ایران، در چارچوب محیط عملیاتی، بخشی از عوامل شکل‌دهنده سیاست خارجی آن را در گستره بین‌المللی روش می‌سازد. در این راستا، متغیرهای اصلی مربوط را می‌توان به‌گونه زیر مطرح ساخت:

- ویژگی‌های جغرافیایی و زئوپلیتیکی;
- ویژگی‌های اجتماعی ازجمله اسلام، ایدئولوژی، تاریخ، ملی گرایی،
- ویژگی‌های سیستم سیاسی و عامل قدرت;
- ویژگی‌های اقتصادی و فشارها و محدودیت‌های منابع;

متغیرهای فوق پیدا آورندگان اهداف و منافع است که کشور پایین آنها را در صحت بين‌المللی پیگیری کند (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷: ۸۵).
ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و زئولیتیک، ویژگی‌های منحصر به فرد دارد که سیاست‌های خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست، ایران کشوری بین‌المللی است که همواره محل توجه کانون‌های قدرت بین‌المللی قرار داشته و در معاونت جهانی نقش پربرنجه ایفا می‌کند. دوم، ایران در مرکزیت و محرزیت مناطق زئولیتیک متمایل قرار دارد که بوسیله دارابودن موقعیت راهبردی دریایی و زمینی و تنگه‌های، از نقش و مشابهه برتری برخوردار است. سوم، ایران از موقعیت زئولیتیک راهبردی خاص سود می‌برد که آن را در مرکز تلاقی محورهای تولیدی و مصرف انرژی جهانی قرار می‌دهد. برای این سه ویژگی جغرافیایی، ا znalazłی و اقتصادی کشورهای سیاست‌های خارجی برون‌ریز و نهایتاً، توسعت روابط با کشورهای منطقه‌ای و خارجی است (دهقانی، فیروزآبادی، 1388: 222-225)

خصوصیات همچون جامعه در حال گزارش، جمعیت جوان همگونی نژادی و دینی و فرهنگی، ناهنجاری قومی و زبانی و مذهبی، ساختار طبقاتی، سطح توسعت اجتماعی و ماهیت گروه‌های اجتماعی و جنگی‌های سیاسی مختلف از جمله عوامل و عناصر مهم اجتماعی بوده که مستقيم و غیرمستقيم بر سیاست و رفتار خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد و به آن سلول می‌دهد (دهقانی، فیروزآبادی، 1388: 222).

از منظر سیاسی، شواهد نشان می‌دهند که جهت‌گیری سیاست‌های روسی ایران، براساس نشان‌هایی از تجدیدنظرطلبی نسبت به وضع موجود نظام بین‌الملل و سیاست‌های شرقی نه غربی، سازمان‌دهی شده است. در جنین وضعی، الگوی رفتاری ایران در قالب ایدئولوژیک ترسیم شد مسئول مسئول مسئول (مصلی‌نژاد، 1388: 101). برای مثال مقاومت‌گرایی به پژوهش کلی و می‌توان نشان‌هایی از رفتار اقلیتی و چالش در بر اثر قدرت‌های بزرگ و همچنین نقد حکومت‌های محافظه‌کار منطقه‌ای را در رفتار سیاست‌های ایران مشاهده کرد (مصلی‌نژاد، 1388: 108). بر اساس این جهت‌گیری ایدئولوژیکی، تعارض ایران و اسرائیل شکل گرفته است و ایران همچنین رژیم صهیونیستی را به عنوان دولت به‌سرعت نشانده و از پیشنهاد است (مشیرزاده و مصاحب، 1390: 247).

از عوامل اقتصادی بسیار مهمی که به‌صورت مقطعی بر سیاست‌های ایران تأثیر گذاشته‌است، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: 1. مسئولیت و مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ؛ 2. نفت‌های عوامل حاکی اقتصادی و سیاست خارجی ایران؛ 3. انرژی هسته‌ای. انرژی هسته‌ای
برای ایران به‌کارگیری مهم انتخاب آن جرسارت و مقاومت بیشتری در مقابل فشارهای جمعی از جمله تحریم‌های اقتصادی را تحمیل کرد (صفوی همایی، ۱۳۸۷: ۸۷–۸۸).

جدول ۲- ویژگی‌های محیطی دوست ایران و تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری ایران

<table>
<thead>
<tr>
<th>الگو</th>
<th>محیط داخلی بافت‌های و نا حصری با قدرت</th>
<th>نتیجه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱-۲</td>
<td>مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ایران</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

- ۱-۲. ساختار سیستمی نظام بين‌المللی ایران به‌دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیکی خلیج فارس، دائماً تحت فشارهای سیستمیک بين‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد. مهم‌ترین فشار سیستمی خارجی در سطح بين‌المللی برای ایران، فشار ناشی از ساخت کنترلی موجود در سیستم بين‌الملل به محوریت ایالات متحده آمریکا است. ساختن چنین کنترلی را می‌توان به‌صورت شکل ۱-۳شنان داد. در این ساخت، قدرت هزمونیک ایالات متحده در پی مهار ایران است و با استفاده از ابزارهای موازنة قدرت و مداخله‌گری در نیل به این هدف تلاش می‌کند. ایران نیز به‌شدت تحت تأثیر این
سیاست‌هایی که نتیجه قرار گرفته و تهدیدهای ناشی از این فشارهای شدید، سیاست‌های خارجی ایران را سخت تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌طوری که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران را باید متغیرهای سطح سیستمی دانست.

1- فشارهای سیستمی منطقه‌ای

متغیرهای سیستمی ارتباط و پیوند توزیعی با متغیرهای منطقه‌ای دارد؛ چرا که منطقه‌های دانست، سیستم مربوط به‌عنوان سیستم تابع، بخشی از سیستم محصول می‌شود و بین این دو، عضوی بخشندا و اجزای آن عضوی سیستم‌های تابع، در سطح قرار داده‌ها و ساختارها و در نتیجه تهدیدها و فرصت‌های موجود، ارتباط متقابل برقرار است. ایران از بعده منطقه‌ای دارای چهار راه‌پیمایی بسیار مهمی است: چرا که بطور همزمان با دو سیستم تابع منطقه‌ای خلیج فارس و شامات و همچنین سیستم تابع آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط است. در سیستم تابع خلیج فارس، زمینه‌ها به‌گونه‌ای است که پیوندی مستحکم بین سیستم‌های داخلی و خارجی اصلی آن عضوی ایالات متحده و نظم منطقه‌ای آن فراهم می‌سازد که خود مشابه سبب‌سازی شکل‌گیری تهدیدهای مختلفی باشد (قاسمی، 1381: 50).

2- سیاست خارجی و مواضع ایران در قبال بحران سوریه

1- مدل سیاست خارجی ایران

بنا به آنچه گذشت، سیاست خارجی ایران تحت تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه در جنین وضعیت‌گویی سیاست خارجی با تبدیل شکل می‌گیرد.

جدول ۳: رابطه بین محیط داخلی و خارجی دولت ایران و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

<table>
<thead>
<tr>
<th>شاخص</th>
<th>دولت</th>
<th>محیط</th>
<th>بانیات</th>
<th>محیط داخلی</th>
<th>بانیات</th>
<th>محیط خارجی</th>
<th>نتیجه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>سیاست خارجی کشور ایران</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

منبع: تگرلدیه
در سیاست بدنبالید، انتظار آن است که رفتن ارتباطی رضایتمندانه شکل گیرد؛ به عبارتی آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتنی مستقل شکل می‌گیرد و وارد دولت محسوب به‌نحو رضایتمندانه تن به انطاقباً محیط خارجی می‌دهد. در مورد ایران، دخالت متغیر ارزش‌های ایدئولوژیک باعث می‌شود تا ایران اسلامی نظم موجود جهانی را قبول نشانده و به‌نحو رضایتمندانه با آن همسو نشود. در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان چنین ابراز نظر گرد که تعامل میان متغیر فشارهای محیط خارجی و متغیر فشارهای محیط داخلی و همچنین متغیر ارزش‌های ایدئولوژیک باعث آن شده که سیاست، با تبدیل و الگوی رفتنی مستقل باشد؛ و لی چون ارزش‌های محیط خارجی آن ارزش‌های انقلاب اسلامی ناسازگار است، تن به انطاقباً فشارهای محیط خارجی ندهد.

در چنین حالتی، به‌جای الگوی رفتنی انطاقباً رضایتمندانه، الگوی رفتنی انطاقباً طغیانگرایانه شکل گرفته است که سازوکاری برای سازش بین منافع و اصول ارزنده و توانها و محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها ازسوی دیگر است. متغیر ارزش‌های ایدئولوژیک باعث آن می‌شود که سیاست خارجی ایران معطوف به تغییر خارج و دریابش نخلال‌های سیاست‌های هزمن هم‌زمان باشد.

در نتیجه گیری کلی دریافت دولت ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که این کشور در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمده محیط بین‌المللی و سیستمی رو به رو به است. تهدید‌های سیستمی مختلفی، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جو و منطقه‌ای یا جهانی، نیز فشارهای ناشی از بانک کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت آمریکا، به‌عنوان قدرت هم‌زمان در بررسی ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

در مقابل، در محیط داخلی ایران در این بهره فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل این دو محیط داخلی باید به محیط خارجی بپیوند، نوعی محیط با تبدیل نتیجه‌گیری می‌شود. در این حالت، در دولت ایران به سبب عدم تضمین نقاشی‌های داخلی، مقام‌های مربوطی می‌توانند به‌صورت دقتی نحوه کنش خود در بررسی فشارهای خارجی بررسی قرار دهند. براساس این مبایلی نظری، نحوه موضوع گیری ایران در بررسی سوریه و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به‌خوبی می‌توان بررسی کرد.
سکول 2- مدل سه گروهی الگوی رفتاری انتقال طغیان کرایه‌های در سیاست خارجی ایران

منبع: نگارنده

2-2- موانع و دیدگاه‌های دولت ایران در تقابل بحران سوریه

2-2-1- ماهیت و کلیات روابط ایران و سوریه

مناسبت‌سی سال گذشته جمهوری اسلامی ایران و سوریه حکایت از رشد عمیق روابط سیاسی و امنیتی دو کشور مذکور دارد. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ویژگی رهبران دو کشور، دشمنان و دوستان مشترک منطقه‌ای و نیازهای داخلی دو کشور، موجب ویژگیهای تندبیدی هرچه بیشتر مناسبات ایران و سوریه را چپیدید آورده است (ابزیدی و اکبری، 1389: 29). علاوه براین، تغییر رویکرد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از همیپماتی با آمریکا و اسرائیل به تعارض با این دو کشور، بروز سوریه خوشابند بود و این کشور به صورت طبیعی توانست در کنار ایران قرار گیرد. الیه دیگر عامل مهم پایاند دو کشور به یکدیگر وجود داشته مشترک، عضوی رژیم بعیض عراق، بود. همانطور که در سطح فوق اشاره شد، هم‌یاری ایران و سوریه طی سال گذشته ضرورت بوده، نه انتخاب و این ضرورت پس از حادثه 11 سپتامبر و افراش فشار آمریکا به ایران و سوریه و مقاومت اسلامی، بیش از پیش احساس شد (همان: 2006: 137).

2-2-2- موانع سیاسی و دیپلماتیک ایران

جمهوری اسلامی ایران از آغاز این بحران، دیدگاه خود را بر دو اصل استوار کرد: خودداری از جنگ و پذیرش آرای مردم با برگزاری انتخابات. نشست تهران که در آن بیش از دویست نفر از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و طایفه‌ای سوریه شرکت کردند، باز
دیگر تأکید بر این دو اصل را برای حل بحران سوریه نشان داد. محور اصلی طرح ایران توافق خشونت و کشتار برقراری آتشبس و آغاز گفت و گوی فراکسیون ملی و فراهم‌ساختن زمینه برگزاری انتخابات بود (افطار، 1391: 3).

dیدگاهی کلی ایران در خصوص بحران سوریه بر سه محور استوار است: توافق خشونت و کشتار سوریه، عدم مداخله سیاسی و نظامی بین‌گانگان و همچنین ضرورت اصلاحات داخلی؛ درواقع، خواسته جمهوری اسلامی ایران تحقق امنیت و ثبات در منطقه و جلوگیری از خشونت‌ها و انجام اصلاحات قانونی است (خبرگزاری مهر، 1391). منشأ فلسطینی نیز در این مطرح است. وجود ایران و سوریه و لبنان در کنار هم و تداوم خط مقاومت باعث شده است تا اسرائیل تنواند زیاد خواهی به خود را گسترش دهد و خواسته‌های خود را به فراتر از وضع موجود برد؛ اگرچه تحولات سوریه در انتظار بر این معادله تأثیر کلیشته است (روزنامه النهار به تقلی: دبیل‌ماسی ایرانی، 1391/07/19). نمی‌توان کشورهای غربی نیز می‌کوشند در معادلات جدید دخالت کند و این دخالت به شک بی‌منع ایران صورت نخواهد گرفت. در مقابل، ایران در عرصه منطقه‌ای تمام نشان خود را به کار گرفته تا مانع تحقق اهداف غرب و سقوط نظام سوریه شود که این موضوع در سخنان مقامات بلندپایه ایرانی مشهور است (خبردی، 1391: 2).

جمهوری اسلامی ایران از ماه‌های نخستین وقوع بحران در سوریه و در ارزیابی رویدادهای داخلی این کشور، به‌رغم عدم خود را دربارة این بحران ارائه کرد. به‌علاوه دوچرخه ایران از تحولات سوریه این بود که ملت سوریه در سایه تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، مطالبات ب혁قی دارد که دولت این کشور با یاد بدن‌ها توجه کند و پاسخ درخور بدهد. این وجه اول ماجرایست. وجد دوم بحران سوریه، مطالب ارزیابی‌ها دقیق و همه‌جانبه ایران از روند اوضاع خاورمیانه، این بود که ایلات متحده آمریکا طی کمتر از یک سال، دو متحد استراتژیک خود بعنوان حکومت‌های مصر و تونس را که محور می‌مانند بشمای می‌رفتند، به مقایسه بسیاری از کارشناسان، با اقلاب اجتماعی از دست داد و اکنون قصد دارد از طریق بحران‌سازی در محور مقاومت منطقه‌ای، بعنوان سوریه، تأثیرکننده ممکن است فقدان دو متحد سنی را جبران کرده و خطوط تماس با حوزه امنیت رژیم صهیونیستی را همچنان آرام نگه دارد و محور مقاومت را در منطقه
تضعیف کند (موسوی، 1391: 7). کودتای جدید را در مصر عليه مرسی و اسلام‌گرایان در این کشور (2013)، در همین راستا می‌شود ارزیابی کرد. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره تأکید کردند:

هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضریب‌زندن به مضامین در منطقه است؛ زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند. سوریه امروز با توطئه دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی رویبردست.

سیاست‌های راهبردی سوریه، توطئه‌های رژیم صهیونیستی را همواره با شکست روبرو کرده و همچنین سوریه مانعی بر سر راه اجرای طرح‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه است. به همین علت امروز سوریه، هم ازسوی آمریکا و هم ازسوی برخی کشورهای غربی به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و هم ازسوی برخی کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، با توطئه رویبردست

(سایت رسمی رهبری انقلاب سیاسی ایران، 1390/11/11).

ازجمله دیگر اقدامات دیپلماتیک ایران در قبال بحران سوریه و فرابندهای جهانی آن به واکنش دولت‌های با صدور پیام‌نامه سازمان ملل نیز در توافق اشاره کرد (روزنامه کههان، 1392/2/28).

در مجموع، ایران به‌عنوان مهم‌ترین حامی دولت سوریه و ثبات آن کشور، ملاحظات مختلفی در سیاست خود در قبال سوریه مطرح می‌دارد که شامل مهم‌ترین آنها موضوع اسرایل و محور مقاومت است. ازسوی دیگر، بحث نفوذ و قدرت ایران در منطقه و رقابت با کشورهای عربی و ترکیه از دیگر دلایل حمایت ایران از نظام سوریه است. ایران بر حفظ و برقراری آرامش در سوریه پافشاری می‌کند تا ضمن ایجادگر درب‌دره اعدام، از شیعیان سوریه نیز حمایت کند. کلیت خود این مسئله، یعنی بحث شیعه و سایر اتیان دیگری است که ایران را حامی نظام سوریه قرار می‌دهد (مؤسسه انديشة و عمل پويا، 1391/6/7).

-سیاست خارجی و موضوعات دولت ترکیه در قبال بحران سوریه

1. عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

1-1. عوامل داخلی و عوامل خارجی و سیاست خارجی ترکیه

عواملی نظیر ارتش، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری صنعتی و مالی و کارگری، مطبوعات و افکار عمومی نقش تعیین‌کنندهٔ در سیاست خارجی ترکیه دارند (دفتر
مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۱۲۷. علاوه براین، دیدگاهی کلمبیک این است که سیاست خارجی تا حد بسیاری از جغرافیا و موقعیت استراتژیک آن منجر است. علاوه بر جغرافیا، سیاست خارجی تركیب از تاریخ و اقتصاد هم ناشی می‌شود. این متغیرها به‌طور کلی منابع و مرجاع‌های سیاست خارجی ترکیب مدرس بوده و سنت‌های رفتاری آن را خلق کرده‌اند (طاقبیانی، ۱۳۸۶: ۲۸).

اروپایی آسیایی بودن، ترکیب را ازنظر موقعیت زئوپلیتیکی از همیت ویژگی برخوردار کرده است. با فروپاشی اتحاد شوروی، بر این اهمیت افزوده شده است (دهی: ۱۳۸۵: ۱۳۴). جمهوری ترکیه کشوری است با نظام سیاسی لاتینی که رسمی به صورت دموکراتیک اداره می‌شود و نهادهای مدنی و سیاسی و حقوقی آن با معیارها و هنگامی غربی منطق است (مرجعیان نژاد، ۱۳۹۰) 

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت ترکیه، نوعی همکاری و نزدیکی

بین منافع ملی ترکیه با گرایش به غرب وجود داشت. اما پس از رشد اسلام گرایی در منطقه

خارج میانه و افزایش فعالیت جنبش های اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه، این کشور با واقعیت‌های جدیدی رو به رو شد. بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه در این وضعیت

جذب زئوپلیتیکی بودم نتیجه رسیدند که تأکید بر ایدئولوژی لاتینیتی و غرب گرایی و

نگاه تک بعیدی به غرب، باعث ایجاد مانع بر سر راه اهداف سیاست خارجی این کشور

شد ذه. بنابراین، این کشور هم زمان با و علی‌چه جریانات اسلام گرایی، بسیاری جبهه

اسلامی تیماری نشان داد؛ به گونه‌ای که در پالسال ۱۹۹۵، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ احزاب

اسلامی گرایی ترکیه در انتخابات پارلمانی به پیروزی رسیدند. هم‌اکنون این گرایش ترکیه

به اسلام سیاسی با اقتضایات زئوپلیتیکی حوزه بازیگری آن، یافتن اهمیت منافع ملی در

دیده‌گاه بازیگران ترک است (منقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

نظام سیاسی ترکیه در عمل، نظامی مبتنی بر مشترکت توده‌ای مورد نیزه و احزاب

همواره در این کشور، با وجود ضعف‌های فراوان، فعال بوده و قادر به پیشرفت مشترکت

سازمان‌دهی شده بوده‌اند. با وجود این، در برخی موارد، به‌دلیل دخالت‌های نظامیان در

سیاست، مشترکت مردم در قبال احزاب، به معنای واقعی به تأثیر گذاری آنها در عرصة

سیاست منجر نشد است. علاوه براین، نوعی قومیت‌ها و مستند کرده‌اند نیز بر سیاست خارجی


جدول ۴- ویژگی‌های محیطی دولت ترکیه و تأثیر آن بر سیاست‌های سیاسی خارجی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری آنان

| نوع حکومت و ایدئولوژی سیاسی | ویژگی‌های اقتصادی | ویژگی‌های ساختار سیاسی | ویژگی‌های جغرافیایی | ویژگی‌های جمعیتی | متغیرهای مربوط به دولت | مساحت هزار هکتار و مربع | اکثریت سیاسی | حضور نفی | توافقنداز

| جمهوری ایدئولوژی ایرانی | اقتصاد سرمایه‌داری نمکی بر اساس بازار آزاد و محورهای ایرانی به شکل غربی ساختار نهاده شده‌است. اکثریت سیاسی سه‌تکیه در ترکیه، همراه به‌خوبی تاریکی که همانند دوران امبراطوری عثمانی، نقش اصلی و محوری را در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور ایفا کرده‌اند (چچنی زاده و خوش‌نامد، ۱۲۸۹). | نتیجه |

ملاحظه: تیپ‌بندی

با وجود اینکه نوع نظام سیاسی ترکیه جمهوری است و در پارلمان این کشور، جمله «حاکمیت از آن ملت است» با خط درست حک شده است، قانون اساسی ترکیه ارتش و شخصیت بزرگ‌ترین حاکمیت نظام جمهوری می‌داند. در حالی که پوشش و مرموزی در ایدئولوژی کمالیسم اهمیت خاصی دارد و در عمل عملیاتی نهاده شده، همچنین بازار که همانند دوران امبراطوری عثمانی، نقش اصلی و محوری را در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور ایفا کرده‌اند (چچنی زاده و خوش‌نامد، ۱۲۸۹). اقتصاد تا حدودی رو به توسعه ترکیه نیز در جهت گیری سیاست‌های سیاسی این کشور به تأثیر گرفته است. ترکیه کشوری است با پیش‌ینا‌ست اقتصاد سرمایه‌داری و متمایز بر اساس بازار از دست داده اما در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان، ترکیه کشوری رفتاری فقیر محصول می‌شود، از این‌رو مقام این کشور به میان ۲۴ کشور پیشرفته جهان نشان‌دهنده این
موضوع است که ترکیه راه خود را به سوی توسعه چندتری باز کرده است (دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی وزارت امور خارجه، 1386: 82).

2- مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

به‌هیچ‌گونه در این باره یاد به نشانده کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا اشاره کرد. ترکیه همچنین به‌علت عضویت در ناتو و سعی این کشور برای عضویت کامل در اتحادیه اروپا ناگفته است. این سیاست از جمله منطقه‌ای و بینالمللی، به نظر ما، توانسته‌های کشورهای غربی توجه کند. عوامل دیگری همچون حسابیت اروپا در خصوص حرکت کردهای ترکیه و نیز روابط اسرائیل و ترکیه باعث روابط دو جزید در سیاست خارجی سنتی ترکیه شده است (دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی وزارت امور خارجه، 1386: 227).

1- ساختار سیستمی نظام بینالمللی

ترکیه در طول تاریخ جديد خود، همیشه را در رابطه با غرب و به‌خصوص اروپا تعیین کرده است و با ایالت‌های متعدد این روابطی نزدیک‌تری دارد. درباره روابط ترکیه با خاورمیانه، می‌توان گفت به‌رحیم این واقعیت که قسمت زیادی از میراث فرهنگی ترکیه از این منطقه سرچشمه گرفته، این کشور به این منطقه توجه کمی کرده است (ب.دی. اولگو و حمیدپور، 1387: 120).

در تحلیل کلان، در حال حاضر دموکراتسی سازی و جهانی شدن و اسلام‌گرایی سه متغیر بینالمللی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه هستند. بحث دموکراتسی سازی در یوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و در ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.) موضوع بوده‌است. پی به جهانی شدن نیز در تضعیف حاکمیت دولت و از مجري تلاش درجهت اروپایی شدن، بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است. اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان یک تاقل روند کلان جهانی تاثیرات گسترش‌داشته بر سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد داشته است (چگینی زاده و خوش‌آماد، 1967: 1389). در مجموع، در نظام بینالمللی جهانی شونده بعد از جنگ سرد و مخصوصاً در ابتداه زمان، سیاست‌های امنیتی مشترک بینالمللی بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده‌اند. ناسیونالیسم قومی، بی‌گمرک، جدایی بسیار، بنیادگرایی و ترویج سیاست ترکیه، تأثیر بخشی از مسائل امنیتی مشترک بینالمللی هستند که بر سیاست
خارجي تكره تأثير گذاشتگي

پیامدهای تحولات ارویای شرقی، منازعات بالکان، به چالش کشیده شدن فلسفه وجودی و هموار ناتوان از تحولات فقیه و آسیای مرکزی و خاورمیانه حمله به عراق در سال‌های 1991 و 2003، از تاثیرات مهم نظام بینالمللی در عملیاتی شدن هرکی از در جهت گری سیاست خارجی ترکیه (غرب گرايی و منطقه گرايی) بوده است (چگینی زاده و خوش اندام، 1387: 91).

1-2. ساختار سيستمي منطقه‌ای

با عنايت به فلسفة حكومتی بنیان گذاران جمهوری ترکیه، سیاست گرايش به غرب به عنوان اصل اول كمالیسم، موضوع گروي سياسی سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه را تحت تاثیر قرار داده بود. به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه را در درجه دوم اهميت برجای سیاست خارجی ترکیه قرار می‌داد. این وضعیت نتیجه‌ده دهه شستاده‌ی اقتصادی افزایش شد که این کشور را وادار کرد در پایین‌تری به اصل کمالیسم تجدیدنظر کرده و در سیاست خارجی خود، به مسائل منطقه توجه بیشتری بکند: 1. بروز مسئله‌ی مازاد و منازعه یونان و ترکیه بر سر جزیره تیرس؛ 2. بحران نفتی سال 1973 به عنوان شوك نفتی از زمان شروع جنگ نفت (اشعال کویت توسط عراق) و سقوط شوروی در بلوك شرق، معادلات امنیتی به ضرر ترکیه تغییر یافت. در این زمان، ترکیه احساس کرد که باید سياسه سنتی مداحا نکردن در مناقشات منطقه‌ای را کنار بگذارد (دفتر مطالعات سياسی و بينالمللي وزارت امور خارجه، 1387: 28).

برای تحلیل دقیقتر سیاست منطقه‌ای ترکیه، باید به سه نگرش موجود در سیاست خارجی این کشور پس از جنگ جهانی دوم اشاره کرد: مرحله اول، پس از جنگ جهانی دوم، از دهه 1950 تا دهه 1990 که مبتنی بر مداخله‌کردن در منازعات منطقه‌ای بود. در مرحله دوم، يعني دهه 1990، در دوره تورگوت اوزال، مرحله جدیدی در سیاست خارجی و خاورمیانه‌ای ترکیه ایجاد شد. در این مرحله، ترکیه عاملی می‌خواهد نقش جدیدی در خاورمیانه‌ای ایفا کند و این آغاز برگزاری ترکیه به عنوان بازیگر مهم در مناقشات خاورمیانه‌ای است. این نگرش تا سال 2003 بر سیاست خارجی ترکیه حاکم بود. مرحله سوم یا همان
دوره اردوزان، فصلی است که اردوزان در جاییگاه بازیگر فعال منطقه‌ای به‌دنبال افزایش نقش و نشان‌دادن وزن سیاسی است (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹: ۴۹۵-۵۴).\\n\\n۲. سیاست خارجی و مواضع دولت در پروپان بحران سوریه\\n\\n۲-۱. مدل سیاست خارجی در پروپان بحران سوریه\\n\nبدین‌ترتیب، سیاست خارجی در کنار تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه جیمز روزن در چنین وضعیتگی سیاست خارجی باندی‌بری شکل می‌گیرد.

جدول ۵- رابطه بین محیط داخلی و خارجی دولت در پروپان و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

| سیاست خارجی | دوست
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>محیط داخلی</td>
<td>محیط خارجی</td>
</tr>
<tr>
<td>باندی‌بری</td>
<td>باندی‌بری</td>
</tr>
<tr>
<td>نتیجه</td>
<td>نتیجه</td>
</tr>
</tbody>
</table>

منبع: نگارنده\\n
در کشور ترکیه، در این زمان فشار و محدودیت‌های از جانب محیط داخلی کم است و در مقابل، از جانب محیط خارجی به دلیل گراش این کشور به قدرت‌های برتر و همراه با آنها و توانایی برای الحاق و پذیرفتن این توضیح آنها، فشار و محدودیت وجود دارد. به‌سبب تحمیل نشنال تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند نجوا کنند درباره تغییرات خارجی را به‌صورت دقیق بررسی کنند. در نتیجه، در این‌جا جوان تقاضاهای خارجی بیش از تقاضاهای داخلی اهمیت می‌یابد، خشونتدهان بنه انطباق می‌دهد و سیاست خارجی باندی‌بری نتیجه می‌شود. در سیاست باندی‌بری، انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایت‌مداهن شکل گیرد. بعنای آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتاری مستقل شکل می‌گیرد.

و واحد دولت محیط به‌ نحو رضایت‌مداهن تنه به انطباق با محیط خارجی می‌دهد.
در نتیجه گیری کلی درباره دو دولت ترکیه، می‌توان گفت تهیه‌دهای سیستمی مختلف کننده‌ها تخصصی و تهیه‌دهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جو و منطقه‌ای بی‌جهانی و نظری فشارهای اروپا و آمریکا برای شرایط پذیرش‌شدن این کشور در بین آنها، همگی به نوعی به فشار ساختاری و پیشانی در محیط خارجی ترکیه منجر شده است. در مقایسه در محیط داخلی ترکیه، در این برهم فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنترل منطقاب محیط داخلی بانوان و محیط خارجی به ثبات نوعی محیط بانداری نتیجه می‌شود.

شکل 3- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طفیان گرایانه در سیاست خارجی ترکیه

منبع: تکنولوژی

گفتگوی است که سیاست خارجی ترکیه تا قبل از روز کارآمد حزب عدلیت و توسعه بهره‌بری جنگ طیب اروگان، نخست وزیر این کشور، وابستگی شدیدی به غرب داشت و در مقابل تحولات محیطی خود، به‌ویژه در حوزه خاورمیانه و جهان اسلام، ابتکار عمل معناداری نداشت؛ اما بعد از سال 2003، روزیاندی سیاست خارجی ترکیه چندجانبه گرایی را جانشین غرب گرایی محض کرد.

از سال 2011 که فضای انقلابی جهان عرب با ظهور بیداری اسلامی همراه شد، ورود ترکیه به معادلات سیاسی و امنیتی جهان عرب، بسیاری از ایرانیان هم و ترتبات قدمی...
سیاست و امنیت را در این منطقه به بازتعاریف مجبر کرد. تركیه در مواجهه با خیزه‌های
مردمی در مصر و تونس، تواست سیاست نسبتا مستقل عرضه کند؛ اما درمورد لیبی،
به‌دلیل اینکه ترکها با اهداف امنیتی غرب مواجه شدند، در نهایت، ارائه سیاست مستقل
را مناسب با منافع خویش ندانستند و همسوی با سیاست‌های غرب را نگزار کردند.
در عین حال، دولت ترکیه روی‌کرد سیاسی امنیتی خود در دو قبال تحولات داخلی سوریه,
همسرو آمریکا و مجموعه غرب تنظیم کرد (فلاح، 1391).

2-2. مواضع و دیدگاه‌های دولت ترکیه در قبال بحران سوریه

2-2-1. ماهیت و کلیت روابط ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه از گذشته تا اکنون، در روابط دوستانه خود با مشکلاتی مواضع بوده‌اند. در
این میان، سه اختلاف اصلی همواره از روابط این دو کشور سایه افکنده است: مسئله کرد‌ها
و تقسم منابع آبی مشترک و ادعای ارضی سوریه بر استان هاتای ترکیه.

هر دو کشور از موقعیت رژوستراتوکیسی پیمان مهمی در منطقه برمی‌خودند. طی دهه
گذشته در چارچوب سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصل جدیدی از روابط،
در ابعاد مختلف، میان دو کشور سوریه و تركیه آغاز شد (اسکینگر، 2011) و روابط تركیه
و سوریه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه بهبود یافته و از وضعیت تشزای
سالهای دهه 1990 به سطح شرکت راهبردی ارتقا پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی دو
کشور چشمگیری داشت. منابعات دو کشور در دو سال اخیر آن جانان توسعه یافته
بود که برای او پایداری از تاریخ معاصر، ارتش سوریه در منطقه نظامی ترکیه شرکت
می‌کند. هر شش ماه یک بار، نشست کمیسیون عالی راهبردی میان دو کشور در سطح
نخست وزیری برگزار می‌شد؛ ولی اکنون منابعات دمشق و آنکارا در ابعاد مختلف دچار
آسیب و تخلیه شده است (فلاح، 1391: 8) و شواهد حاکی از این است که تركیه خوواستار
براندازی دولت سوریه است.

2-2-2. مواضع سیاسی و دیپلماتیک ترکیه

با شروع تحولات در سوریه، موضوع ترکیه نیز به موضوع پیچیده و متغیر تبدیل شده
است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد، از میانجیگری و داوری به مهاجرت درکمک‌کن
امکانات
و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. چندی بعد از شروع حوادث سوریه، رهبران ترکیه طرفین را به خویشتن دری و ممارسات دوست می کردن و همچنان بشار اسد را به رسمیت می شناختند؛ اما با گذشت زمان، ترکیه عزم خود را برای سرنگونی اسد جرم کردن و در این مسیر، از هر چه اقدامی تحت تهدید به حمله نظامی فرود گذاشترند (نیاکوئی و بهمنش، 1391: 172).

رهبران ترکیه با درنظر گرفتن سیاست نوعمندی گری، به طرح ریزی سیاست‌ها و عملکرد خود در منطقه بهداشت‌های در این مرحله، رهبران ترکیه به فاصله دوم این سیاست، گام گذاره‌ای با همبستگی دیگری تا آزمایش مشکلات با هماسایگان به عنوان فاز اول طرح، نویت خیز ترکیه به عنوان بازیگر قدرتمند و اول منطقه‌ای مرسد و در حال حاضر، راه آن از دمشق می‌گذرد.

همان‌گونه که اردوغان گفت، سوریه دووزی ترکیه به خوراک‌مانه‌ای عربی است. در واقع، تنها مسیری که ترکیه در حال حاضر به آن امیدوار است تا بوتان از راه تغییر در آن، موقعیت منطقه‌ای خود را به‌طور مثبت، سوریه است. برکناری است، بی‌بی‌بی، می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل بزرگ‌ترین این ترکیه، خلاص شدن از تنگاتان شدید جغرافیایی است. تنگاتان جغرافیایی ترکیه را می‌توان این گونه توضیح داد که ترکیه به خلاف ایران، روسیه و مصر، در منطقه‌ای خاص واقع نشده است که بوتان هیچ‌یک آن منطقه را به خود بگیرد؛ بنابراین، سیاست خارجی خود را باید بر همین اساس یا به رژیم کند. ترکیه با اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان همسایگی است؛ اما جزو هیچ‌یک از آن‌ها نیست و در رهن و دیده‌نیست، به‌دلیل موقعیت زاویه‌یکی خود، ناگفته از تعامل با آن‌هاست (قهرانی‌پور: ۱۳۸۸). در این میان، روابط نزدیک حزب عدالت و توسعه ترکیه را با اخوان المسلمین سوریه که مهم‌ترین به‌شک اپوزیسیون این کشورند نیز باید در نظر داشت. در واقع، از نظر بسیاری از ناظران، باتوجه به نفوذ ترکیه بر سیاسی از جمهوری اپوزیسیون سوریه، بجای اخیر در سوریه ممکن است زمینه‌ای افزایش نفوذ ترکیه را در این منطقه فراهم آورد (نیاکوئی و بهمنش، 1391: 128).

با آغاز درگیری‌ها در سوریه، دولت ترکیه به سرعت به مخالفت به نظام حاکم سوریه پرداخت؛ اقدامات ضد نظام سوریه به همین جا ختم نشد و ترکیه برای مخالفان نظام سوریه، در خاک خود از دستگاه نظامی ایجاد کرد و حتی کنترل‌سنجیده‌ها مخالفان را در
استانبول برگزار کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ی/2/1392/1391). از دیگر اقدامات دولت ترکیه بر پراکنیدن بروز موارد معرضت سوریه، بهره‌ی‌های اخوان المسلمین است. به‌تهیه‌های در این مورد حقوق‌های ترکیه و اخوان المسلمین سوریه، برگزاری چهار کنفرانس برای مخالفان نظام سوریه در شهرهای ترکیه است که به‌بستر آنها را هم اسلام گرایان تکلیف داده‌اند. از جهتی، دولت‌های اروپا زه که با ارزیابی روند تحولات جاری و اوضاع داخلی کشور سوریه در چارچوب وضع حاکم بر منطقه، این اوضاع را به‌عنوان همجسم و هم‌گام با سایر خیزه‌های منطقه می‌داند که دیگر یا زود به تضعیف مشروعیت نظام حاکم و افزایش فشارهای بین‌المللی، به تغییر نظام سیاسی سوریه خواهد انجامید. در این راستا، ترکیه می‌خواهد با پیشگیری از رقبای خود، به‌خصوص ایران، در نبرد بر سر منافع، پیروز نهایی می‌داند شود (یبت، 1390: 137). به‌همین دلیل، ترکیه هم‌زمان در صدد تضعیف سوریه و نیز تغییر زبان مقاومت با ارائه الگوی ترکیه‌ای است. به‌عنوان دیگر، ایجاد شکاف در ملکه سوریه و ایران و جریان مقاومت، در دستور کار راه‌نوردی رفت و حضور قدرتی مانند ناک نمود توسط ترکیه، باعث شده این کشور جسورانه‌تر عمل کند. به‌نظر می‌رسد ترکیه جدای از بلندپروازی‌های منطقه‌ای خود در خاورمیانه، تلاش می‌کند اهداف غرب را نیز در منطقه پیاده کند تا ضمن ارتقای جایگاه راهبردی خود، به کانوو و محور تغییر منافع و دانش‌های راهبردی هم پیمانان خود تبدیل شود (شیرتی، 1391). هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعلی منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در قبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست؛ سیاستی که از حمایت اتحادیه اروپا و ایالات متحده و اتحادیه عرب نیز برخوردار است (بهرامی، 1390).

علاوه بر این‌ها، دولت ترکیه طرحی برای حل در صلح بحران سوریه در دست داشت. طرح مذکور مقدماتی برای آغاز کنفرانس «پنج» در خصوص سوریه بود. روزنامه طبیعه نوشته: طرح پیشنهادی ترکیه شامل وگذاری تمام اختیارات به‌ارادت اسد، رئیس جمهوری سوریه، به دولت انتقالی و در مقابل، باقی ماندن وی در سوریه و مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری آتی است... احتمالاً اردوغان طی سفرهایی به روسیه و ایران و برخی کشورهای عربی، این طرح را برپا خواهد کرد (روزنامه طبیعه ترکیه، بی‌گزاره سایت پیام آفتاب، 1392/8/3/1).
تاریکی در بحران اخیر سوریه نیز تلاش می کند به عنوان مبانی جمعی کنندگان و این روتینک با هدف کاهش دامنه‌های بحران در مرزهای تاریکی و نیز با هدف ارتقای مناطق متفاوت و جهانی این کشورهای انتظاری است. تاریکی با بغازک‌های مرز خود با سوریه، هزاران پناهندگی سوری را که در اثر حملات ارتش سوریه به شهرهای شمالی سوریه، از بین جانشان به تاریکی گریخته‌اند، اسکان داد تا این کار علاوه بر گرفتن زمین آنها و حقوق بشری، از این مسئله به‌منظور اهمیتی مؤثر در بحران سوریه استفاده کند.

احمد داوود اوغلو پس از بغازگی از نشست دولت سوریه در تونس، به این اینکه رفتار تاریکی در حالی که همچنان رفتار این کشور در جنگ عراق نیست، اظهار داشت گرینه نظامی در دوره‌ی سوریه روزی می‌آید و تاریکی در موضوع سوریه کار این می‌پردازد. سخنان اخیر اوغلو پس از برگزاری نشست دولت سوریه در تونس، بخشی از توافق تاریکی با قدرت‌های فرمانده‌ای از جمله ایالات متحده دربیل بحران سوریه دارد (بهرامی، 1390).

در پی ناکامی سفارشی غرب در سازمان ملل متحد و تاریکی محروم به کشور سوریه از این طریق، نادر و به‌ویژه تاریکی در مراکز توجه قرار گرفته‌اند و با احتمال قوی، با این حرف به اقدامات بعدی تاریکی را طرح دیگری خواهند کرد. رفتار تاریکی در رابطه با تحولات سوریه، متاعب این کشور را به‌نوبه‌ای که تاریکی در بسیاری از صنایع خود مرزبانی سوریه، این کشور با همسایگان خود، روسیه و ارمنستان و عراق و ایران، دچار مشکل می‌یند و نتایج دسالین سیاست خارجی تاریکی دربیلی همسایگانش به خط خواده افتاد (دهقانی، 1390).

در واقع، تاریکی برخلاف خواسته و انثار مردم سوریه و اظهارات مسئولان آن که از طریق آن تلاش می‌کند خود را حامی منافع و حقوق ملت سوریه نشان دهد، از جنگ اقتصادی اتحادیه عرب علیه مردم سوریه استقبال کرد (باشگاه اندیشه، 1391).

از آغز بحران سوریه، مرزهای تاریکی به مقر اصلی معارضان سیاسی و نظامی سوری تبديل شده‌بود و تاریکی در نظر داشت از معارضان سوری به عنوان برگ برند خود در
کشمشک با همسایه جنوبی خود استفاده کنند. اما با طول کشیدن بحران و تعیین‌شدن رؤیای
سران تركیه و دیگر زمامداران ائتلاف ضدسوری، معارضان و آوارگان سوریه به باری
سنگین بر دوش دولت آنکارا تبدیل شدند. به‌همین دلیل، جبهه جنوی جغرافیایی فوق با
هدف انتقال پخشی از وظایف امدادرسانی نظامی به معارضان، از تركیه به لبنان صورت
گرفت؛ اگرچه هزینه‌های حضور مخالفان سیاسی سوریه که عمداً در استانبول مستقر
شدند، همچنان بر دوش زمامداران آنکارا سنگینی می‌کنند (ترحمی، 1391: 21).
در مجموع، نقش آفرینی دولت اردوغان در قاچاق سلاح به سوریه، حمایت تمام عیار از
تروریست‌های سوری، بمب‌گذاران ارتش سوریه، بحران هواپیما با مسکو، جدال‌های محکم
لطفی با عراق و مسائل عدیده‌ای از این‌قبل، نشان‌دهنده فعالیت‌های مالی و نظامی تركیه
در بحران سوریه برای مخالفان سوریه است و همچنان، سبب شده است که حکومت
ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، به سبیل كشورهای منطقه تبدیل شود (روزنامه
جمهوری اسلامی، 1391/10/18).
نتیجه‌گیری
سوال اصلی این مقاله آن است که سیاست خارجی و موضوع‌های محلی در دولت ایران به‌طور گسترده‌ای درباره بحران سوریه چیست؟ درباره دولت ترکیه، می‌توان به این نتیجه رسید که تهدیدهای سیستمی مختلف کشور ترکیه و آمریکا را به ذهن رساندند اما در نهایت دولت ایران به حفظ مصالح خود ادامه داد.

در مورد دولت ایران به نظر می‌رسید که دولت ایران از دیدارهای خود در مرزهای خود با کشورهای ایالات متحده، آلمان و شاخص از سمت این کشورها به تدریج بیشتر و بهتر به سیاست‌های زورپاسی آن کشورها اجا کرده‌اند.

در تحلیل نهایی، سیاست‌های ترکیه با سیاست‌های آمریکا و انگلیس در بخش مهم‌ترین مسایل جهانی خود، با دوستی و همکاری دوستانه به همراه، سیاست‌های این کشورها به همکاری و همکاری در این بخش می‌پردازند.

در نهایت، می‌توان گفت که دولت ایران در حال حاضر به دنبال جهت‌گیری همکاری و همکاری با کشورهای دیگر در بخش مهم‌ترین مسایل جهانی خود، است. برای این کشورها، سیاست‌های خود را به دنبال بهره‌برداری از منابع و منافع مختلفی در جهانی قرار دهند.
سال سوم، شماره چهاردهم، زمستان 1392
سیاست خارجی و عملکرد رفتاری دولت ایران، هم ریشه‌های مذهبی دارد و هم ناشی از آرمان‌گرایی سنتی ایرانی هست سه و حاوی آزادی، حمایت از ملت‌های دیگر و حمایت از ملت‌های دیگر. هر دوی این عوامل، داخلی و خارجی، دولت ایران را به این آرزوی می‌رساند که برای حفظ موقعیت منطقه‌ای و برقراری امنیت و انسانی به‌طور کلی، برای نظام ازدست دیگرین، حمایت‌های نظام جمهوری خود از دولت سوریه را اعلام کند. در مقابل، می‌تواند از تنها در جهان، این دولت را بر آن داشته است تا با قدرت تمام درصد داخلی و دیپلوماسی از طریق حمایت‌های گسترده سیاسی، نظامی، سیاسی و... از نیروهای معارض داخلی و نزدیک‌ترین‌های سوری باشد. درواقع، سیاست خارجی ترکیه به‌طور کلی، برای ایجاد امنیت عثمانی در خیابان، ترکمن‌ها در جریان امپراتوری عثمانی از طریق دروازه دمشق است. ترکیه در پی آن است تا در بحران سوریه نقش آفرینی کند و از این بحران، به‌کمک فرضی برای تقویت اعتبار و نقش منطقه‌ای خود استفاده کرده، حمایت دنبال غرب را به‌دست آورد و در نهایت، قدرت برتر و مسلط منطقه‌ای در خارجی را به‌دست آورد.
کتابنامه

اتذی، جهانی‌خس و حمیدرضا اکبری (1389)، "برآورد دهه سوم مناسبت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و سوریه: هم‌گرایی بین‌یار گستن، فصلنامه رسانه‌نگاری سیاست‌گذاری، سال اول، ش2، زمستان 1389، ص 237-211.

برداگلی اوغلی، بیژن و اعضاً حمیدی‌پور (1387)، "نگرایی، هم‌خوانی و سیاست خارجی ترکیه،" فصلنامه مطالعات اقتصادی جهان اسلام، جلد نهم، ش2، ص 79-119، 1387.

بصیری محمدی و سید فاضل موسوی (1389)، "تغییر و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیشانی انسانیات اقتصادی،" انجمن تحقیقات سیاسی و اجتماعی، جامعه‌آماده اکثریت اسلامی واحده شورا، ش0، بیست و چهارم بهمن 1389.

بیات، ناصر (1390)، "تغییرات در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه،" فصلنامه رسانه‌نگاری سیاست‌گذاری، سال دوم، ش2، ص 178-188.

ترحمی، مهدی (1391)، "الکوی ممفومی به سر هزاره، تحلیل و مدیریت آن،" موسسه ندیش و عمل 83، بهار، ص 258.

چگین‌زاده، غلامعلی و بهروز خوش‌اندانم (1389)، "تعامل و تقابل بیروت‌یونانی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه،" فصلنامه راهبرد، ماه‌نامه نوزدهم، ش.01، ص 5، 1389.

خلیلی حسین و دیگران (1391)، "پیوند کد و منابع تکان‌دهنده در سیاست خارجی (نمونه‌پژوهی: ترکیه و ایران)،" مطالعات اقتصادی و اجتماعی مرکز، وسط نمای، ش11، ص 678-739.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، (1386)، جمهوری ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مجله دهه‌های فیروز‌آبادی، سیب‌الملک (1388)، "نامه ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،" مجله 2472214، ش21، ص 11، 1388.

دوهی امیر (1385)، "سرزمین‌های جهان اسلام: جمهوری ترکیه، حدود جغرافیایی،" اکتشافات، ش4، ص 678.

رسولی نائی آبادی، امیر (1391)، "بررسی سیاست خارجی دولت‌های انقلابی جدید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا،" بررسی مدل پوست‌گی جیمز روزن‌اکس، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، ش2، ص 111-111.

ریونلز، فیلیپس (1380)، "شناسی اصول روابط بین‌الملل، ترجیح جمهوری اسلامی ترکیه، وزارت امور خارجه،" صفوی هم‌خوان، سیدحسین (1387)، "کالیشک‌کاری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،" چ1، تهران: دانشگاه امام خامه‌ای، صادق(ع).

طهاتی، سیدجعفر (1380)، "کمالیسم: عناصر بحران در سیاست خارجی ترکیه،" فصلنامه راهبرد، ش21، ص 678.

علی بازایی، غلامرضا (1383)، "فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت
امور خارجی

قاسمی فرهاد (۱۳۸۱)، «طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: فصلنامه مطالعات خارجی»، شماره سوم، ص ۵۳۵-۹۹.

(۱۳۸۲)، دیپلماسی و روابط بین الملل، ج ۱، تهران: میزان

(۱۳۸۹)، مدل زرهشی امتیا ملت‌های مسلمان، فصلنامه زرهشی امتیا، ششم، ش ۲، ص ۵۷-۹۴.

قاسمی فرهاد و سیدجواد صالحی (۱۳۸۷)، تکرش تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های اعلی و مطالعات استراتژیک خارجی.

متقی افخمی، اشکار و احسان مصباح (۱۳۸۰)، موضوع اسناد در کشفیات سیاست خارجی ایران، فصلنامه علمی و مطالعات سیاسی ایران، سال ۱۳۸۲، شماره ۸، ص ۲۵۱-۳۲۰.

رهبری نماینده و عمل ویژه (۱۳۸۱)، «کالبدشنایی تحولات سوریه و وضعیت خارجی ایران»، ویرایش و انتشارات: نیاکونی، سیدامر و حسین بهمنش (۱۳۹۴)، بازیگران معاوض در بحران سوریه: اهداف و روبکردگاه، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، ش ۴، ص ۹۷-۱۲۴.

هالی کی جی (۱۳۷۲)، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، نمایه هزاره مستقیم و مصوعد طارم‌سرا، ج ۵، تهران: وزارت میراث خارجی، موسسه ساب و انتشارات.

افشار استادانه (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و راهکار آن»، خبرگزاری تایتان، ۲۳/۱۲/۹۹/۱۳۹۱.

برزگ، کیهان (۱۳۹۰)، «نقش ایران و تربیک در حل بحران سوریه»، سایت خبری دیپلماسی ایرانی، ۱۲/۹/۱۳۹۰.

بهرامی، محمد (۱۳۹۳)، «ترکیب و سیاست تغییر زمینی در سوریه»، خبرگزاری بین المللی کردپسر، ۱۲/۱۲/۹۳.

باشگاه اندیشه، «مواضع تربیک علیه سوریه و واکنش روس ها»، ۲۹ آذر ۱۳۹۳، دسترسی در: www.bashgah.net

حیدری علی (۱۳۹۱)، بررسی نقش بازیگران مشترکان در بحران سوریه، شماره ۱۴، مرداد ۱۳۹۱.